

تحقق مطالبات پرستاران در گروهی تشکلی مستقل، فریادی بلند و همبسته



مریم حضرتی، معاون وزیر بهداشت در ۱۷ بهمن در یک نشست خبری شرکت کرد. با آن که این نشست خبری به مناسبت چهلمین سالگرد به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی برگزار شده بود، سخنان این مقام مسئول در این نشست، اقرارنامه‌ای بود مبنی بر رسوایی و شکست جمهوری اسلامی در یکی از عرصه‌های دیگر، یعنی در عرصه پرستاری و وضعیت پرستاران. او در نشست خبری و پس از ۴۰ سال قدرت‌گیری جمهوری اسلامی، بی آن که بخواهد، از وجود معضلات متعدد در این عرصه سخن می‌گوید، معضلاتی ناشی از بی‌لباقتی و ناتوانی مسئولان، همدستی آنان با بخش خصوصی جهت سودجویی و استثمار بیش‌تر این قشر زحمتکش،

در صفحه ۳

ساز و کار اروپا هم معضل اقتصادی و مالی جمهوری اسلامی را حل نکرد

پس از وعده‌های چندین ماه گذشته اتحادیه اروپا به جمهوری اسلام برای کمک به دور زدن تحریم‌های دولت آمریکا و ایجاد سیستم سازوکار ویژه مالی برای ادامه تجارت و سرمایه‌گذاری با ایران، سرانجام روز دوشنبه ۱۵ بهمن، شورای اتحادیه اروپا متن بیانیه جمع‌بندی خود را درباره ایران منتشر کرد و سازوکار حمایت از مبادلات تجاری "اینس‌تکس"، راه‌اندازی شد.

در این بیانیه که در ۱۲ بند تنظیم شده است، همان‌گونه که از قبل نیز پیش‌بینی می‌شد، اتحادیه اروپا تنها در محدوده کوچکی توانسته امتیازاتی به جمهوری اسلامی بدهد، به‌نحوی که با تحریم‌های دولت آمریکا اصطکاک پیدا نکند. در عین حال، مفاد بیانیه به نحوی تنظیم شده است که امکان مانور برای اتحادیه اروپا وجود داشته باشد.

این بیانیه با تأکید مجدد بر حمایت اتحادیه اروپا از برجام اعلام می‌کند که سازوکار ویژه مالی اکنون در چارچوب نهادی خصوصی به ثبت رسیده است که هدف آن ایجاد تأثیرات مثبت بر مراودات اقتصادی و تجاری با ایران و همچنین معیشت مردم ایران است. بیانیه بر ادامه همکاری‌های نزدیک با ایران در حوزه‌های گوناگون تأکید می‌کند و سپس از جمهوری اسلامی می‌خواهد تا قانون لازم برای اجرای تعهدات مربوط به برنامه عملیاتی گروه ویژه اقدام مالی (FATF) را اجرا کند. در بیانیه از افزایش نقش ایران در تنش‌های منطقه‌ای و ادامه حضور نیروهای ایرانی در سوریه، کمک‌های نظامی، مالی و سیاسی به سوریه و لبنان، نقض تحریم تسلیحاتی اعمال شده توسط شورای امنیت در یمن، ابراز نگرانی شده است.

شورای اتحادیه اروپا همچنین اعلام کرد که از فعالیت موشکی بالستیک ایران که مغایر قطعنامه شورای امنیت است عمیقاً نگران است و از جمهوری اسلامی می‌خواهد تا از این فعالیت‌ها

در صفحه ۲

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

در صفحه ۴

سخنرانی رفیق اصلا ن جواد زاده در مراسم بزرگداشت چهل و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل در استکهلم

آرمان‌های کارگری از سیاهکل تا امروز

در صفحه ۱۰

شرایط وخیم جمهوری اسلامی در سخنان وزیر کابینه

توده‌های مردم علیه دیکتاتوری سلطنتی محمدرضا پهلوی، اکنون جمهوری اسلامی از ترس مرگ بر خود می‌لرزند. جمهوری اسلامی امروز دستان‌اش خالی‌تر از همیشه است و به بیان دیگر ناتوان از حل بحران‌هایی که حل فوری آن‌ها ضرورتی حیاتی برای جمهوری اسلامی یافته، تنها امروز را به فردا می‌رساند. اگر در زمان جنگ ایران و عراق، هنوز بخش‌هایی از توده‌ها به حکومت اسلامی توهم داشتند و حتا جمهوری اسلامی توانست با بهره‌گیری از جنگ به این توهمات دامن زده و پایه‌های اقتدار خود را با سرکوب و حشایشانه کمونیست‌ها و دیگر مخالفین و سازمان

در صفحه ۵

وزیر نفت کابینه روحانی بیژن زنگنه روز ۱۶ بهمن در مصاحبه‌ای که قرار بود دستاوردهای نفتی جمهوری اسلامی را به مناسبت چهلمین سال به قدرت رسیدن حکومت اسلامی در یک نشست خبری بیان کند، با بیان این‌که نوک اصلی حمله دولت آمریکا صنعت نفت را نشانه رفته، گفت: "من در جنگ هم بودم و جنگ را درک کردم اما این شرایط از جنگ سخت‌تر است".

البته منظور زنگنه به‌هیچ عنوان شرایط سخت زندگی توده‌های مردم نیست. منظور او شرایط جمهوری اسلامی است که از همه جهت در بن‌بست قرار گرفته، از بحران عمیق اقتصادی و ورشکستگی مالی تا بحران سیاسی داخلی و خارجی. در واقع چهل سال پس از قیام شکوهمند

ساز و کار اروپا هم معضل اقتصادی و مالی جمهوری اسلامی را حل نکرد

سازوکار اتحادیه اروپا، تعدادی از مقامات و نهادهای رژیم شدیداً علیه آن، عکس‌العمل نشان داده‌اند:

این گروه شامل، یک اقلیت صدنفره مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، اکثریت مجمع تشخیص مصلحت رژیم، سپاه پاسداران و دستگاه قضائی‌اند که خامنه‌ای نیز به‌رغم زد و بندهای پشت پرده‌اش با روحانی، حامی آن‌هاست. در همین رابطه "املی لاریجانی گفت: "اروپایی‌ها بعد از ۹ ماه تعلل و مذاکره، یک سازوکار با ظرفیت محدود، آن‌هم نه برای تبادل پول بلکه برای تأمین غذا و دارو ایجاد کرده‌اند. حسب گزارش‌ها دو شرط عجیب نیز گذاشته‌اند؛ یکی اینکه ایران به FATF بپیوندد و دیگری آنکه در زمینه موشکی وارد مذاکره شود. لازم است این کشورها بدانند که جمهوری اسلامی ایران به‌هیچ‌وجه این شروط تحقیرآمیز را نخواهد پذیرفت و به بهای باز شدن یک ابراه کوچک نظیر اینستکس، تن به هر خواسته‌ای نخواهیم داد. اصلاً مگر دارو غذا تحریم بوده است که حالا این سازوکار مالی را به‌عنوان یک امتیاز القا کنند؟"

محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نیز در توفیتی نوشت: «کانال حمایت از تجارت اروپایی یک کانال تهازری و کالایی است. بعدازاین همه معطلی، گره زدن پالرمو و cft به instex نوعی باج‌خواهی است.

سید حسین نقوی حسینی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم نیز گفت سازوکار "اینستکس" تأثیری در لغو تحریم‌های آمریکا علیه ملت ایران ندارد.

به‌رغم این مخالفت‌ها همان‌گونه که بیانیه رسمی وزارت امور خارجه نشان داده است، جمهوری اسلامی چاره‌ای ندارد جز آنکه از همین تعهدات محدود اتحادیه اروپا استقبال کند و ادعای خروج از برجام هم که از سوی برخی از مخالفین مطرح می‌شود، یک ادعای توخالی است. اما در هر حال، این واقعیتی است روشن که ایجاد سیستم سازوکار ویژه مالی برای ادامه تجارت و سرمایه‌گذاری با ایران، کمکی جدی به معضلات اقتصادی و نیازهای مالی جمهوری اسلامی نخواهد کرد.

هرچه سریع‌تر با دقت و سرعت عمل بیشتری اجرایی شود، اما مرتبط کردن اجرای این سازوکار که از تعهدات ذاتی برجامی است با الزامات نهادهایی چون FATF غیرقابل‌قبول است. در عین‌حال موضوع فعالیت‌های دفاعی ایران هرگز در دستور کار مذاکره ما با دیگر کشورها نبوده و نخواهد بود. این دو مورد از جمله موارد شدیداً مورد اختلاف میان جناح‌های طبقه حاکم است. از آنجائی که طرح مسئله توسعه موشکی و یا ربط دادن سازوکار حمایت از مبادلات تجاری به تصویب و اجرای لوایح مربوط به پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم با مخالفت شدید گروه‌هایی از جناح رقیب مواجه شده است، وزارت خارجه جمهوری اسلامی به‌طور خاص نسبت به طرح آن‌ها در این بیانیه انتقاد کرده است. جمهوری اسلامی البته به‌مخوبی می‌داند که طرح این دو مورد و یا مسائل دیگر در بیانیه اتحادیه اروپا، مانع و معضل جدی نیست و تغییری در مواضع اتحادیه اروپا نسبت به مناسبات با جمهوری اسلامی پدید نمی‌آورد. چرا که سیاست اتحادیه اروپا تقویت جمهوری اسلامی است و همان‌گونه که رسماً اعلام کرده است، هرگونه تضعیف آن را برهم خوردن ثبات منطقه خاورمیانه می‌داند. بنابراین، آنچه که از جمهوری اسلامی در این بیانیه خواسته شده است، صرفاً نشان دادن نوعی همراهی لفظی با دولت آمریکا است و نه چیزی فراتر از آن. شاید تنها موردی را که بتوان استثنا کرد، رعایت ضوابط FATF «گروه ویژه اقدام مالی» است که آن نیز هم‌اکنون چهار لایحه آن به تصویب مجلس رسیده است و دو لایحه آن نهایی شده است، اما دو مورد باقی‌مانده یعنی لایحه کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم (CFT) و لایحه کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (palermo) در مجمع تشخیص مصلحت مورد اختلاف جناح‌های رقیب است.

اما به‌رغم استقبال رسمی جمهوری اسلامی از

خودداری کند. بیانیه به "اقدامات خصمانه در خاک چندین کشور عضو اتحادیه اروپا" اشاره کرده و از جمهوری اسلامی می‌خواهد تا هرچه سریع‌تر به چنین رفتار غیرقابل‌قبولی پایان دهد.

شورای اتحادیه اروپا در بند یازدهم بیانیه جمع‌بندی، همچنین درباره اوضاع حقوق بشری در ایران ابراز نگرانی کرده و خواسته است جمهوری اسلامی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی احترام کامل بگذارد.

در بیانیه مشترک فرانسه، بریتانیا و آلمان برای راه‌اندازی رسمی کانال ویژه مالی اروپا با ایران که پیش‌ازاین انتشار یافت، نیز آمده است: فرانسه، آلمان و بریتانیا، تشکیل "سازوکار حمایت از معاملات تجاری" را اعلام می‌کنند که یک ابزار انتقالی ویژه باهدف تسهیل تجارت مشروع بین عاملان اقتصادی اروپا و ایران است.

اینستکس در ابتدا با تمرکز بر بخش‌های حیاتی‌تر برای مردم ایران - مانند دارو، لوازم پزشکی و مواد غذایی - از مبادلات مشروع اروپا با ایران حمایت می‌کند.

آنچه که از این بیانیه‌ها برمی‌آید، اتحادیه اروپا در اینجا چیزی خلاف آنچه مدنظر آمریکا بوده، انجام نداده است. دارو، لوازم پزشکی و مواد غذایی جزء تحریم‌های دولت آمریکا نبوده است. علاوه بر این، بیانیه مشترک سه دولت اروپایی تأکید دارد "اینستکس با رعایت دقیق‌ترین استانداردهای جهانی در زمینه مبارزه علیه پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم (AML/CFT) و نیز با رعایت تحریم‌های اتحادیه اروپا و سازمان ملل عمل خواهد کرد. در این راستا، ای ۳ انتظار دارد که ایران هر چه سریع‌تر به‌تمامی تعهدات خود در چهارچوب مفاد اف‌ای‌تی‌اف عمل کند." یعنی از نظر مالی نیز با آنچه مدنظر آمریکا است، تناقضی نداشته باشد. با این سازوکار، پولی به دست جمهوری اسلامی نمی‌رسد و طرف‌های معامله نیز شرکت‌های کوچک اروپایی خواهند بود.

با این‌همه جمهوری اسلامی در چنان وضعیت وخیمی قرار دارد که از این سازوکار تحقیرآمیز اتحادیه اروپا، فروش اندکی نفت و درازای آن دریافت غذا و دارو، ستایش نموده و از آن استقبال کرده است.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی در نشست کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: سازوکار حمایت از تبادلات تجاری اتحادیه اروپا، گام مثبت و اولیه‌ای از سوی اتحادیه اروپا برای حفظ منافع ایران در برجام است.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: "جمهوری اسلامی ایران با استقبال از مواضع مثبت اعلامی در بیانیه اتحادیه اروپا در خصوص ایران به‌ویژه برجام و دیگر نکات قابل‌قبول، برخی نکات و انتقادات خود را از بیانیه مزبور اعلام می‌دارد: ما از ثبت سازوکار حمایت از تبادلات تجاری (ساحات) با ایران استقبال می‌کنیم، این سازوکار



تحقق مطالبات پرستاران در گروهی تشکلی مستقل، فریادی بلند و همبسته

بی‌توجهی مقامات رژیم به وضعیت معیشت پرستاران و سلامت و بهداشت توده‌های مردم و بسیاری مصایب دیگر.

با آن که حضرتی در سخنان خود، کوشید با اعلام آمارهایی از تعداد دانشکده‌ها و دانشجویان پرستاری، ادعای "پیشرفت‌های بسیاری" در حرفه پرستاری را به اثبات رساند، اما او نیز نتوانست بر مشکلات متعدد این حوزه سرپوش گذارد.

یکی از مشکلات، کمبود نیروی پرستار است. او اعلام کرد: "در حال حاضر میانگین کشوری پرستار به تخت ۰.۷۳ است؛ اما استاندارد ما در این زمینه ۸/۱ است و امیدوارم تا سال ۱۴۰۴ به این استاندارد دست یابیم. میانگین کل کادر پرستاری به تخت نیز ۵/۱ است که باید به ۵/۲ برسد." وی وعده داد برای رفع این کمبود، نمکی، وزیر کنونی وزارت بهداشت قول جذب ۱۹ هزار نیروی پرستار در سال‌های ۹۸ و ۹۹ را داده است. جدا از آن که وعده استخدام پرستاران سالیان سال است که تکرار می‌شود اما هیچ‌گاه عملی نشده است، در واقع، حتا استخدام این تعداد پرستار طی دو سال آینده، معضل کمبود پرستار در ایران را رفع نخواهد کرد. در سال ۹۶، رئیس شورای عالی نظام پرستاری اعلام کرد در سه سال گذشته ۱۶ هزار پرستار استخدام شده‌اند در حالی که سالانه ۵ هزار پرستار بازنشسته می‌شوند، یعنی در سه سال گذشته تنها ۱۰۰۰ پرستار به نیروی کار پرستاری افزوده شده‌اند. اگر تنها همین یک عامل خروج پرستاران از چرخه اشتغال، یعنی بازنشستگی را در نظر بگیریم در دو سال آینده، حتا در صورت استخدام ۱۹ هزار پرستار که بیشتر وعده است تا عمل، تنها ۹ هزار پرستار به تعداد پرستاران کنونی افزوده خواهد شد. تعدادی که بسیار پایین‌تر از نیاز جمعیت کشور و استانداردهای جهانی است.

در بهمن ۹۶، نایب رئیس شورای عالی نظام پرستاری گفت، بر اساس شاخص کشوری ۱۵۰ هزار نفر و بر اساس شاخص جهانی ۲۳۰ هزار نفر کمبود پرستار داریم. حکایتی که سالیان بسیاری است ادامه دارد. در اردیبهشت ۹۴، مدیر خدمات پرستاری مرکز آموزش و درمانی بیمارستان زنگان، از کمبود ۱۵۰ پرستار خبر داد. در تیر ۸۵ نیز دبیر کل خانه پرستار اعلام کرد: "به ازای تخت‌های موجود کشور باید حداقل ۲۱۰ هزار نیروی پرستار به ازای تخت‌های موجود در کشور وجود داشته باشند، اما فقط ۳۳ درصد استانداردهای جهانی در این زمینه در ایران رعایت می‌شود." این کمبود زمانی چهره واقعی خود را نشان می‌دهد که افزایش سالانه تعداد تخت‌های بیمارستان در نظر گرفته شود. به گفته‌ی یکی از مسئولان این حرفه در سال ۹۶، تنها در سه سال گذشته ۲۴ هزار تخت فعال بیمارستانی بر تعداد تخت‌های پیشین افزوده شده است.

پس، با توجه به روندهای گذشته می‌توان نتیجه گرفت، اولاً با توجه به چشم‌انداز اقتصادی، نباید

انتظار داشت وعده اشتغال چند هزار پرستار جدید در آینده محقق شود، بلکه حتا در صورت تحقق، پاسخگوی نیازهای کنونی و آینده مردم نخواهد بود.

بر اساس یافته‌های پژوهشی شورای بین‌المللی پرستاری، تعداد پرستار به بیمار در بخش عمومی در وضعیت مطلوب یک پرستار به ۴ بیمار است و افزایش تعداد بیماران به ۶ نفر با احتمال ۱۴ درصد، بیماران را در معرض خطر مرگ در طی ۳۰ روز بعد از پذیرش قرار می‌دهد و افزایش ۸ بیمار در برابر ۴ بیمار با افزایش حدود ۳۱ درصد مرگ و میر همراه است. با وجود این در ایران، در بخش مراقبت‌های ویژه باید یک پرستار از سه بیمار و در بخش‌های عمومی یک پرستار از حدود ۱۵ بیمار پرستاری کند. به این ترتیب با کاهش وقت پرستاران برای مراقبت از بیماران، امکان مرگ و میر بیماران تا بیش از هفتاد یا هشتاد درصد بالا می‌رود. جدا از کاهش دریافت خدمات درمانی اینم، افزایش عوارض بیماری و درمان دارویی و بسیاری مخاطرات جانی و سلامتی برای بیماران، کمبود پرستار عواقب جدی و جبران‌ناپذیری نیز بر پرستاران دارد.

پرستاران نیز بر اثر تشدید فشار کار مجبورند در شیفت‌های اضافه کار کنند. گفته می‌شود طبق قانون هر پرستار نباید از حدود ۱۴۰ ساعت در هر ماه، بیشتر فعالیت کند، در حالی که به دلیل نبود پرستار کافی در بیمارستان‌ها پرستاران ناچارند علاوه بر این میزان ۱۷۰ ساعت دیگر نیز در مراکز درمانی کار کنند.

ظاهراً برای مقابله با کمبود پرستار، در سال ۹۴، مسئولان وزارت بهداشت مدعی شدند که کشور با کمبود نیروی پرستار روبروست، بنابراین معاونت آموزشی وزارت بهداشت طی آیین‌نامه‌ای اجرای طرح جذب پرستاران بیمارستانی را اعلام کرد. طبق این طرح بیمارستان‌های دولتی و خصوصی می‌توانند برحسب ظرفیت خود، پرستار تربیت کنند. این طرح با اعتراضات بسیاری از پرستاران، به ویژه در سال ۹۶، روبرو شد. به گفته آنان، اولاً سالانه ۱۵ هزار پرستار از دانشکده‌های پرستاری فارغ‌التحصیل می‌شوند. پس مسئله کمبود نیروی پرستاری در میان نیست، بلکه ریشه معضل در عدم استخدام نیروی جدید است. پرستاران این طرح را "عقب گرد صد ساله آموزش پرستاری" و "رجعت به دوره قاجار" می‌دانند "چرا که در آن زمان با توجه به مهارت عملی و نه علمی، طبیبان و پرستاران انتخاب می‌شدند." به جز تضعیف آکادمیک رشته پرستاری، فعالین پرستاری طرح را در راستای سودجویی بیمارستان‌های خصوصی ارزیابی می‌کنند. زیرا به علت حقوق‌های پایین پرستاران در بیمارستان‌های خصوصی، پرستاران فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌ها رغبتی به کار در آن‌ها ندارند. پس، این طرح به آن‌ها امکان می‌دهد نیروی کار خود را تأمین کنند بدون آن که ناچار شوند حقوق‌های چند میلیونی بدهند و از

آن‌جایی که پرستار بیمارستانی مدرک ندارد، مجبور است ۳۰ سال تحت هر شرایطی به کار ادامه دهد. پس، پشت این طرح مافیای سلامت وجود دارد.

مافیایی که رد پای آن را در عدم اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری نیز می‌بینند. نکته‌ای که در سخنان حضرتی نیز مطرح شد. این قانون که در تیر ماه ۸۶ تصویب شده است، با گذشت بیش از ده سال به علت عدم تأمین اعتبار به رغم خواست و اعتراضات پرستاران هنوز اجرایی نشده است. قرار بود با اجرای این قانون، تمام خدمات پرستاری تعریف و در پرونده بیماران ثبت و تعرفه آن از بیماران اخذ شود. توزیع عادلانه درآمدها بین پرستاران و پزشکان، شفاف‌شدن شرح وظایف پرستاری و حذف خدمات تحمیل شده از سایر قسمت‌ها از جمله نتایج اجرای طرح تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری اعلام شد. در حالی این قانون به بهانه عدم بودجه اجرایی نمی‌شود که به فاز سوم طرح تحول سلامت، میلیاردها تومان اختصاص داده شد و تعرفه پزشکی سه برابر شد.

طرحی که اجرای آن بدون توجه به بسترسازی‌های مناسب (از جمله تأمین فضای بیمارستانی و کادر درمانی) فشار زیادی را بر پرستاران تحمیل کرد. در نتیجه، در سال ۹۳ این طرح چنان ناراضی‌تایی پرستاران را برانگیخت که سازمان نظام پرستاری نیز ناچار شد آن را طرحی "شگفت‌آور و خودسرانه" بخواند که در آن "به حقوق پرستاران و سایر پرسنل غیر پزشک متخصص توجهی نشده است." طرحی که همچنان اجرای آن ادامه دارد و به ایجاد شکافی عظیم بین درآمد پرستاران و پزشکان منجر گشته است. به گفته پرستاران در این طرح، کارانه یک پزشک متخصص از ۱۵ میلیون تومان به ۳۷ میلیون تومان افزایش یافته، اما کارانه یک پرستار از ۲۰۰ هزار تومان فقط به ۵۰۰ هزار تومان رسیده، جدا از آن که با ثبت بسیاری از خدمات پرستاران به نام پزشکان، کارانه آنان نیز به جیب پزشکان سرازیر می‌شود.

به جز فشار طاقت‌فرسای کار، پرستاران، مانند بسیاری دیگر از توده‌های مردم با وضعیت معیشتی وخیمی روبرویند. طرح‌هایی هم که در این سال‌های به اجرا درآمده‌اند، نه تنها به بهبود آن کمکی نکرده‌اند، بلکه پاسخگوی نیازهای معیشتی پرستاران نبوده‌اند. یکی از این طرح‌ها، طرح قاصدک است که آنان را با مشکلات مالی و تأخیر در دریافت مطالبات روبرو کرده است. در مرداد ۹۷، دبیر کل خانه پرستاری، در مورد نرخ پایین اضافه‌کاری‌ها و جدا نبودن اضافه کاری از کارانه پرستاران می‌گوید و از این که پرستاران برای هر ساعت اضافه کاری، تنها بین ۴ تا ۶ هزار تومان دریافت می‌کنند. وضعیت پرستاران قراردادی و شرکتی از نظر دستمزد و مزایا و ساعت کار و شدت استثمار از پرستارانی که در استخدام دائم هستند، از این نیز وخیم‌تر است. حضرتی در همین نشست به حداقل حقوق

تحقق مطالبات پرستاران در گروی تشکلی مستقل، فریادی بلند و همبسته

پرستاران اشاره می‌کند که در بخش خصوصی ۱ / ۵ میلیون تومان به اضافه کارانه و در بخش دولتی ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان به اضافه کارانه و اضافه کار است که حداکثر کارانه نیز ۸۰۰ هزار تومان برآورد می‌شود.

این تنها گوشه‌ای از معضلات متعدد پرستاران است. معضلاتی که برای آنان افزایش بیماری‌های جسمی و روانی، فرسودگی شغلی، ناراضیاتی، مشکلات خانوادگی، اجبار به مهاجرت، اجبار به اضافه‌کاری و ... را پدید آورده‌اند. این مصایب و کمبودها در نبود تشکل مستقل و واقعی پرستاران، دست مسئولان دولتی و بخش دولتی و خصوصی را در استنثار و بهره‌کشی آنان باز گذاشته است.

نهادهایی مانند سازمان نظام پرستاری، خانه پرستار، شورای عالی نظام پرستاری، و تشکل‌هایی از این قبیل، سازمان‌های دولتی هستند که مسئولین آن‌ها حداکثر به طرح انتقاد از ستم و ظلم و استثمار که بر پرستاران می‌رود، اکتفا می‌کنند، بی آن که پاسخگوی وضعیتی باشند که خود در همدستی با سایر مسئولان دولتی برای پرستاران به وجود آورده‌اند. البته وزیر جدید بهداشت نیز وعده داده است، راه وزیر پیشین را ادامه دهد. همین یک وعده کافیست تا به پرستاران نشان دهد با ادامه این شرایط آمیدی به بهبود وضعیت پرستاران نمی‌رود. در شرایطی که در جامعه گروه‌های اجتماعی و قشرهای گوناگون در حال اعتراض به نابسامانی‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند، اگر پرستاران نیز در پی تغییری در وضعیت کنونی خود هستند، باید تشکل مستقل خود را تشکیل دهند و به مبارزه‌ای سراسری برای تحقق مطالبات خود برخیزند. تنها یک تشکل مستقل و نماینده واقعی پرستاران است که می‌تواند مطالبات دیرینه‌ی آنان را پیگیری کند و مانع از دست‌اندازی‌های بیش‌تر دولت به حقوق و منافع آنان گردد.

در سال ۹۳، سیدحسین قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت کابینه روحانی در آن زمان، در برابر اعتراضات پرستاران، رنجیده خاطر و طلبکار گفت: "نیازی به فریاد نیست." اما مسئولان این رژیم ثابت کرده‌اند که بدون فریاد، و از راه‌های قانونی گوش شنوایی پیدا نخواهد شد. پس، پرستاران باید برای کسب حقوق و مطالبات خود "فریاد" بزنند و آن هم تا آنجایی که ممکن است همبسته‌تر و بلندتر.

خلاصه ای از اطلاعیه های سازمان

کمیته ی خارج از کشور سازمان فدائیان (اقلیت)، در اطلاعیه‌ای به تاریخ ۲۷ ژانویه، در رابطه با اوضاع کنونی ونزوئلا موضع گیری خود را اعلام داشت. در این اطلاعیه که تحت عنوان "سرنوشت ونزوئلا در دست کارگران و زحمتکشان است" منتشر گردید، ضمن اشاره به مسائل سیاسی روز و دخالت کشورهای امپریالیستی در امور داخلی این کشور، به طور مختصر به ریشه‌ی بحران سیاسی موجود پرداخته شده و در ادامه، علل اصلی ناراضیاتی توده‌های مردم، سیاست‌های دولت مادورو و افزایش شکاف طبقاتی ذکر گردیده است. به این ترتیب از سویی، دخالت‌گری کشورهای امپریالیستی محکوم شده و هم از سوی دیگر سیاست‌های دولت ونزوئلا.

در این اطلاعیه کمیته خارج مطرح کرده است که راه برون رفت از معضلات موجود در جامعه و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کارگران و زحمتکشان، همانا، برپایی یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه ی کارگر است. در پایان، کمیته خارج، ضمن حمایت از خواسته‌های کارگران و زحمتکشان، طبقه‌ی کار جهانی را به همبستگی با کارگران و زحمتکشان ونزوئلا، فراخوانده است.

کارگران، زحمتکشان، اتحاد، اتحاد، سرنگون باد نظام سرمایه داری- برقرار باد سوسیالیسم

کمک های مالی

هند

۱۰۰ یورو	رفیق مهدی اسحاقی
۱۰۰ یورو	رفیق جلیل انفرادی
۱۰۰ یورو	رفیق هادی بنده خدا لنگرودی
۱۰۰ یورو	رفیق غفور حسن‌پور
۱۰۰ یورو	رفیق عباس دانش بهزادی
۱۰۰ یورو	رفیق اسکندر رحیمی
۱۰۰ یورو	رفیق محمدرحیم سمائی
۱۰۰ یورو	رفیق ناصر سیف دلیل صفایی
۱۰۰ یورو	رفیق علی‌اکبر صفایی فراهانی
۱۰۰ یورو	رفیق محمدهادی فاضلی
۱۰۰ یورو	رفیق احمد فرهودی
۱۰۰ یورو	رفیق محمدعلی محدث‌قندچی
۱۰۰ یورو	رفیق شجاع‌الدین مشیدی
۱۰۰ یورو	رفیق اسماعیل معینی عراقی
۱۰۰ یورو	رفیق هوشنگ نیری

سوئیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمینا
۲۰۰ کرون	خروش (فوریه)

آلمان

با یاد رفقای سیاه‌کل آغازگران	
۵۰ یورو	جنبش نوین کمونیستی

سوئد

کارگر زندانی، زندانی سیاسی	
۲۰۰ کرون	آزاد باید گردد



پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

شرایط وخیم جمهوری اسلامی در سخنان وزیر کابینه

پوشش هزینه‌های نظامی استفاده شد، در بودجه سال آینده نیز به دستور خامنه‌ای از صندوق توسعه ملی برای تامین هزینه‌های نظامی استفاده خواهد شد.

اما مشکل به همین جا خاتمه نمی‌یابد، با آغاز تحریم‌های نفتی و بانکی آمریکا، مشکلات مالی دولت که شدیداً به دلارهای نفتی وابسته است، افزایش یافت. جمهوری اسلامی در رقابت با دولت آمریکا در منطقه خاورمیانه در تنگنای شدید مالی قرار گرفته است، اما سیاست خارجی به نحوی پیش می‌رود که به افزایش این تنگناها منجر می‌شود و البته برای جمهوری اسلامی در شرایط کنونی راه حل دیگری هم به صورت واقعی وجود ندارد.

هم اکنون و با وجود این‌که ۸ کشور به صورت موقت از تحریم‌های نفتی معاف شده‌اند، جمهوری اسلامی قادر به دریافت پول‌های نفت نیست و تنها می‌تواند برخی از کالاها را از همان کشورها وارد کند، برای نمونه بانک‌های چین به گفته مجیدرضا حریری عضو اتاق بازرگانی ایران و چین، بانک‌های این کشور با ایران کار نمی‌کنند. به گفته‌ی وی حتی بانک "کولون" که با سرمایه اولیه‌ای که از پول فروش نفت ایران به چین و به منظور دور زدن تحریم‌ها تشکیل شده بود، تنها امکان مبادله کالاهای محدودی را که جزو تحریم‌های آمریکا نیستند، فراهم می‌کند. حتی دولت عراق نیز به‌رغم روابط گسترده با جمهوری اسلامی به تحریم‌های آمریکا تمکین کرده و به گفته زنگنه نه تنها جمهوری اسلامی بابت دریافت پول فروش گاز و برق از دولت عراق دچار مشکل شده، بلکه سوآپ ۱۱ هزار بشکه‌ای از کرکوک را نیز دولت عراق به دلیل تحریم‌های نفتی قطع کرده است.

جمهوری اسلامی در حالی از دریافت پول نفت محروم شده که به این پول برای پیشبرد سیاست‌های خارجی خود شدیداً نیازمند است. همه این‌ها در حالی‌ست که به گفته برایان هوک رئیس گروه ویژه اقدام ایران در وزارت امور خارجه آمریکا در مصاحبه با شبکه "ان اچ کی" ژاپن، معافیت نفتی ۸ کشور در ماه مه ۲۰۱۹ تمدید نخواهد شد و این یعنی افزایش مشکلات مالی دولتی که درآمدهای نفتی برای‌اش مثل نان شب می‌ماند.

اگر آنچه را که ما در این مقاله آوردیم به عنوان تکه‌های یک پازل در نظر بگیریم، در نهایت پازل کامل شده تصویری را به ما نشان می‌دهد که چیزی جز سرنگونی جمهوری اسلامی نیست و این همان چیزی‌ست که ترس و وحشت زنگنه را به همراه آورده است. اما این سرنگونی تنها با انقلاب توده‌ها، با اعتصاب سیاسی سراسری و سپس قیام مسلحانه توده‌ها ممکن می‌شود. توده‌هایی که این بار با نه گفتن به همه اشکال رژیم‌های بورژوایی و با نه گفتن به دیکتاتوری سلطنتی و مذهبی، حکومت شورایی خود را برپا خواهند ساخت.

شرکت بزرگ کشور تعطیل نشوند، روزی نیست که صدها کارگر بیکار نشوند، سال گذشته از ۱۵۰۰ شرکت پیمانکاری نفتی ۸۰۰ شرکت تعطیل شده‌اند." در میلیون‌ها خانوار حتی یک فرد شاغل وجود ندارد و بر این تعداد، سال به سال افزوده می‌شود. براساس آمارهای رسمی در حالی که در سال ۹۱ در ۲۳/۳ درصد خانوارهای کشور حتی یک فرد شاغل وجود نداشت، در سال ۹۵ این تعداد به ۲۶/۶ درصد رسید. بعد از سال ۹۵ نیز هنوز آماری انتشار نیافته است اما همه چیز نه تنها حکایت از افزایش تعداد بیکاران دارد، بلکه نشان‌گر این واقعیت نیز هست که شیب افزایش بیکاری در سال ۹۷ بسیار تند شده است. بسیاری از کسبه کوچک به دلیل کاهش قدرت خرید مردم ورشکست شده و به صفوف بیکاران پیوسته‌اند. صدها هزار کارگر نیز به دلیل تشدید بحران اقتصادی از کار بیکار شده‌اند. بحران اقتصادی حتی موجب نگرانی بخشی از طبقه‌های شده که حامی اصلی رژیم می‌باشند یعنی سرمایه‌داران. همین‌ها هم هستند که به دلیل وخامت اوضاع و بی‌ثباتی رژیم، از ترس سرنگونی جمهوری اسلامی سرمایه‌های‌شان را به خارج از کشور منتقل کرده و می‌کنند. به عبارت دیگر رژیم جمهوری اسلامی به‌عنوان حکومتی که به شکل وحشیانه‌ای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال را به نفع سرمایه‌داران و به ضرر کارگران اتخاذ کرد، اکنون در اثر بحران اقتصادی و از هم‌گسیختگی سیاسی حتی حمایت بخشی از سرمایه‌داران را از دست داده است. تورم آن‌چنان افسار گسیخته است که اکثریت بسیار بزرگ جامعه حتی قادر به سیر کردن شکم خود نیستند و با این شرایط نیز رژیم حاضر به افزایش دستمزد و حقوق به میزانی که بتواند قدرت خرید توده‌ها را افزایش داده و بدین‌ترتیب تا حدودی بر میزان تقاضا افزوده و گردش چرخه اقتصاد را بهتر کند، نمی‌شود. به گفته‌ی تاجیک از اعضای کمیته مزد شورای عالی کار افزایش ۳۰ درصدی دستمزد تنها ۳ درصد در قیمت کالا اثرگذار است، آن‌هم کالاهایی که در این مدت دو تا سه و حتی چهار برابر افزایش قیمت داشته‌اند. اما تمام تلاش جمهوری اسلامی بر آن است که حقوق و دستمزد بیش از ۲۰ درصد افزایش نیابند. آن هم در کشوری که به گفته‌ی رئیس کمیته امداد "۵۰ میلیون نفر از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران زیر خط فقر هستند".

دولت جمهوری اسلامی از نظر مالی کاملاً ورشکسته است. جمهوری اسلامی به دلیل شرکت مستقیم و غیرمستقیم در جنگ‌های منطقه‌ای و دستگاه گسترده مذهبی، بوروکراسی و نظامی، چاه ویلی برای خود کنده است که قادر به درآمدن از آن نیست. این را حتی در بودجه سالانه می‌توان دید که مدام از صندوق توسعه ملی برای هزینه‌های نظامی استفاده می‌شود. همان‌طور که در بودجه سال جاری نیز از صندوق توسعه ملی با دستور خامنه‌ای برای

دادن دستگاه‌های سرکوب و وسعت بخشیدن به آن‌ها در چهره‌ی سپاه پاسداران، بسیج، وزارت اطلاعات و غیره تحکیم بخشد، امروز توده‌های مردم توهمی به ماهیت جمهوری اسلامی ندارند و این تنها مزدوران حکومت اسلامی هستند که به دلیل منافع و نقش‌شان در ساختار حکومت از جمله در دستگاه‌های سرکوب، پایه‌های لرزان حکومت را همچنان بر دوش دارند.

همین شرایط موجود اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه است که به بحران‌های متعدد اجتماعی، زیست محیطی و غیره منجر شده که یکی از نشانه‌های آن خانه‌خرابی و گسترش نارضایتی دهقانان زمیندار است که تا گذشته‌های نه چندان دور از جمله حامیان جمهوری اسلامی بوده و یا نقشی منفعل در قبال تحولات سیاسی جامعه داشتند. شورش اخیر زندانیان زن زندان قرچک یک نمونه دیگر است. گسترش فقر و نابسامانی‌های اجتماعی یکی از نتایج‌اش انبوهی از زندانیانی است که هر روز بر تعداد آن‌ها افزوده شده و میلیون‌ها خانواده را درگیر خود ساخته است. به گفته لاریجانی رئیس قوه قضاییه در سال گذشته ۱۶ میلیون و سیصد هزار پرونده در دستگاه قضایی رژیم بررسی شده که ۹۰۰ هزار پرونده نسبت به سال ۹۵ بیشتر است. خودکشی، نامیدی، دزدی، جنایت، تجاوز، خشونت، بیماری‌های روحی به طرز وحشتناکی در جامعه افزایش یافته. تصویر وضعیت کنونی جامعه و توده‌ها به حدی دردآور است که باید گفت "بالاخرت از سیاهی دیگر رنگی نیست".

اما جمهوری اسلامی ثابت کرده که زندگی دردآور توده‌ها و مصیبت‌هایی که بر توده‌ها و جامعه روا داشته، برای‌اش هیچ اهمیتی ندارند. موضوع آن‌جا برای جمهوری اسلامی اهمیت پیدا می‌کند که توده‌هایی که چیزی برای از دست دادن ندارند برای حق خود، برای داشتن یک زندگی انسانی، بپا خاسته و ثبات جمهوری اسلامی را به خطر اندازند. تنها این مساله برای جمهوری اسلامی اهمیت دارد و به همین دلیل است که رژیمی که بقای خود را بر زور سرنیزه قرار داده، تنها اقدام‌اش برای مقابله با تشدید نارضایتی و اعتراضات توده‌ای، سرکوب و وحشیانه است. اگرچه همواره گفته و شنیده‌ایم که "می‌توان به سرنیزه تکیه داد اما نمی‌توان بر روی آن نشست".

بحران اقتصادی، گسترش بیکاری، ورشکستگی مداوم شرکت‌ها و رشد سرسام‌آور تورم یکی دیگر از معضلاتی‌ست که جمهوری اسلامی نه تنها راه‌حلی برای آنها ندارد، بلکه دیگر حتی مسکن‌هایی را هم که تجویز می‌کرد و می‌کند، تأثیر معکوس یافته و بر وخامت اوضاع می‌افزاید.

به گفته محبی‌نژاد، دبیر انجمن قطعه‌سازان، در ماه‌های اخیر ۲۸۰ هزار کارگر در صنایع قطعه‌سازی از کار بیکار شده‌اند. مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز ۱۴ بهمن ماه گفت: "هفته‌ای نیست که ۱۰ تا ۵۰



سخنرانی رفیق اصلان جواد زاده در مراسم بزرگداشت چهل و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل در استکهلم

آرمان‌های کارگری از سیاهکل تا امروز



گروه‌های مختلفی هم از کمونیست‌ها و انقلابیون شکل گرفت. البته این گروه‌ها و محفل‌ها عموماً محافلی بودند، گروه‌هایی بودند که سرگرم مطالعه متون مارکسیستی بودند و به لحاظ نظری یکدست نبودند بلکه تشتت نظری شدیدی هم در بین آن‌ها وجود داشت. سوال‌های مهمی که در آن موقع در برابر کمونیست‌ها وجود داشت این بود که چگونه باید در میان کارگران فعالیت کرد و آگاهی سیاسی کارگران را ارتقا داد؟ چگونه باید توده‌های کارگر را به عرصه مبارزه بویژه مبارزه سیاسی کشاند؟ چگونه باید حزب طبقه کارگر را ایجاد کرد؟ چگونه باید بر تشتت نظری و پراکندگی غلبه کرد؟ و اگر همه این سوالات را یک کاسه کنیم. سوال بزرگ این بود که چه باید کرد؟

همین جا من باید اشاره کنم که علی‌رغم جو خفقان و پلیسی بویژه کنترل شدید محیط‌های کارگری و ذهنیت منفی کارگران در مورد کمونیست‌ها، رفقای ما قبل از سیاهکل، هم در گروه رفیق مسعود احمدزاده و هم در گروه رفیق بیژن جزنی، برای کار در میان طبقه کارگر و در راستای تحقق آرمان‌های کارگری تلاش‌های زیادی انجام داده بودند و البته بسیاری از این موانع و محدودیت‌هایی را که من برشمردم، آن‌ها خودشان در جریان عمل به آن پی برده بودند و از نزدیک تجربه کردند. مشغله اصلی رفقای ما پیش از آن‌که هنوز سیاهکلی در کار باشد، کار و فعالیت در میان کارگران، ارتقاء آگاهی سیاسی کارگران، متشکل کردن کارگران و ایجاد حزب طبقه کارگر بود. من در این زمینه به چند نمونه و نقل قول اشاره می‌کنم که حرفم را مستند کرده باشم.

رفیق مسعود احمدزاده آن زمان که کتاب مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک را می‌نوشت یا در واقع زمانی که گروه رفیق در مورد چه باید کرد فکر می‌کرد و در جستجوی راه بود، می‌نویسد: "ما پذیرفتیم که هدف ما و سایر گروه‌های کمونیست باید ایجاد حزب مارکسیست - لنینیست باشد" و بعد می‌نویسد: "بلافاصله این موضوع مطرح شد که برای ایجاد چنین حزبی چه باید کرد؟" و بعد در ادامه در همین رابطه می‌نویسد: "آن وقت این دو وظیفه اساسی در برابر ما قرار گرفت، ما و سایر گروه‌ها از یکطرف می‌بایست کادرهای حزب آینده را تربیت کنیم، از طرف دیگر باید زمینه چنین حزبی را در میان توده‌ها فراهم می‌کردیم یعنی ما باید با کار در میان توده‌ها و بویژه پرولتاریا آن‌ها را آماده پذیرفتن چنین حزبی کنیم".

یا رفیق امیرپرویزپویان که هم در ضرورت پیوند با کارگران و هم ضرورت ایجاد حزب طبقه کارگر تأکیدات زیادی دارد، از جمله در این مورد می‌نویسد: "تا با توده‌های خویش بی‌ارتباطیم، کشف و سرکوب ما آسان است. برای این‌که پایدار بمانیم، رشد کنیم و سازمان سیاسی طبقه کارگر را بوجود آوریم، باید طلسم ضعف خود را بشکنیم. با توده‌های خویش رابطه‌ای مستقیم و استوار بوجود آوریم". رفیق پویان در آن نوشته کوتاه خود مکرر از سازمان واحد پرولتاریا، از ضرورت رهبری پرولتاریا، از سازمان اخص پرولتاریا و حزب طبقه کارگر نام می‌برد که باید برای ایجاد آن و یا تشکیل آن تلاش و مبارزه و فعالیت کرد.



سوسیالیسم وارد کرده بود و نتایج مخربی در جنبش کارگری ببار آورده بود. تسلیم‌طلبی‌های این حزب، خیانت رهبران این حزب، ماجرای توبه‌نامه‌ها و تنفرنامه‌های این حزب و بعد هم تشکیلات تهران این حزب که عباس شهریاری مامور ساواک با نام مستعار اسلامی در راس آن قرار داشت که ضرباتی بر چپ‌ها و کمونیست‌ها وارد ساخت. در هر حال حزب توده و عملکرد آن لطمات جبران‌ناپذیری بر جنبش کارگری و اعتبار کمونیسم و کمونیست‌ها وارد کرده بود. گرچه حزب توده نه بر مبنای برنامه و نه بر پایه عملکردش هرگز یک حزب کمونیستی نبوده، اما در آن سال‌ها هر کاری که این حزب انجام می‌داد و هر خرابکاری که می‌کرد به نام چپ و کمونیست نوشته می‌شد. و همین خرابکاری‌ها و تسلیم‌طلبی‌ها موجب شده بود که گرایش به کمونیسم و فعالیت کمونیستی محدود شود. یعنی این‌که فعالیت کمونیستی و کارگری در آن سال‌ها در میان کارگران نه فقط از این جنبه که یک دیکتاتوری عریان و عنان گسیخته بر جامعه حاکم بود و کمترین فعالیت کارگری و کمونیستی با کنترل شدید پلیسی شناسایی و سرکوب و منهدم می‌شد، کار ساده‌ای نبود، بلکه با سابقه‌ای که از حزب توده در ذهنیت کارگران و کل جامعه نقش بسته بود، مشکلات دو چندان می‌شد.

در عین حال در آن سال‌ها، تحت تأثیر شکست‌ها و مجموعه شرایط و پیشینه‌ای که خلاصه‌سوار به آن اشاره شد، بسیاری از روشنفکران، گیج و سردرگم بودند و در میان برخی دیگر از آن‌ها نوعی روحیه یاس و سرخوردگی وجود داشت. ولی جامعه در هر حال حرکت خودش را داشت و همراه با رشد تضادهای جامعه، محافل و

همه شما می‌دانید که در دهه چهل، دیکتاتوری شاهنشاهی، خفقان شدیدی را بر جامعه حاکم کرده بود. در واقع فضای اختناق و سرکوبی که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بر جامعه حاکم شده بود، در سال‌های بعد از آن هم ادامه یافت و تشدید شد. اگر تا قبل از سال ۴۰ هنوز شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری هستیم و گاه حتا اعتصابات بزرگی در سال ۳۹ و سال ۴۰ مثلاً در نفت و کوربه‌خانه‌ها داریم که البته رژیم شاه به شدت آن را سرکوب کرد و در جریان این سرکوب صدها کارگر کشته یا دستگیر و زندانی شدند، اما وارد دهه چهل که می‌شویم این اعتصابات به نحو چشمگیری کاهش پیدا می‌کند و اگر از شورش ۱۵ خرداد ۴۲ بگذریم، رویداد سیاسی مهم دیگری اتفاق نمی‌افتد و مبارزات کارگری همچنان رو به تنزل است و کم کم یک رکود سیاسی شدیدی بر جامعه حاکم می‌شود.

در عین حال رژیم شاه با راه‌اندازی یکسری اتحادیه‌ها و سندیکاهای قلابی که سرخ آن‌ها در دست ساواک بود و اساساً ساواک آن‌ها را اداره می‌کرد، عناصر مبارز و فعالان و کارگران پیشرو را شناسایی می‌کرد و در هر حال کنترل پلیسی شدیدی را بر محیط‌های کارگری اعمال می‌کرد. از طرف دیگر "انقلاب سفید شاه" و اصلاحات ارضی و تبلیغات رژیم در مورد سهیم کردن کارگران در سود کارخانجات و به هر حال رونق نسبی اقتصادی که ایجاد شده بود و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر زندگی کارگران، عامل مهم دیگری بود که در افت مبارزات خودانگیخته و اعتصابات کارگری موثر بود. در عین حال این را هم می‌دانیم که عملکرد حزب توده، لطمات سنگینی بر اعتبار کمونیست‌ها و

سخنرانی رفیق اصلان جواد زاده در مراسم بزرگداشت چهل و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل در استکهلم

آرمان‌های کارگری از سیاهکل تا امروز

بسیاری از رفقای ما قبل از آن‌که هنوز سیاهکلی رخ داده باشد، با محیط‌های کارگری ارتباط نزدیک داشتند. برخی رفقا خودشان کارگر بودند و از نزدیک مسائل کارگری و مشکلات آن را می‌دیدند و تجربه می‌کردند. رفیق اسکندر صادقی‌نژاد کارگر تراشکار بود و دبیر سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و اصلا موسس این سندیکا بود. یا رفیق جلیل انفرادی که کارگر جوشکار بود و این رفیق هم عضو و دبیر این سندیکا بود و بعدا جزو رفقای سیاهکل شد، این هر دو رفیق مدت‌ها در میان کارگران حضور فعال داشتند و با مشکلات و موانع آشنا بودند. یا باز رفیق حسن نوروزی که از دوران کودکی و نوجوانی در شهرهای مختلف و کارخانه‌های مختلف کارگری کرده بود و در آخر هم در بخش لوله‌کشی و تاسیسات راه‌آهن کار می‌کرد. این رفیق در سال ۴۸ عضو هسته‌ای است که رفیق مسعود احمدزاده هم عضو همان هسته است. رفقای گروه احمدزاده آن سال‌ها، دو تا برنامه در دستور کارشان بود یکی کار تئوریک، از جمله مطالعه متون مارکسیستی و ترجمه و امثال آن، یکی هم فعالیت در جهت رسوخ در میان کارگران و ایجاد زمینه‌های مناسب برای تشکیل حزب. رفیق حسن نوروزی مدت‌ها این برنامه را پیش برد و در عمل با موانع سختی برخورد کرد. در اثر بی‌اعتمادی کارگران و ذهنیت‌های منفی که از قبل بوجود آمده بود و موانع دیگری که وجود داشت، کار پیشرفت نمی‌کند و از او استقبالی نمی‌شود. در میان آن کارگران تنها یک رفیق کارگر از رفیق حسن نوروزی استقبال می‌کند که البته بعد به صفوف سازمان می‌پیوندد. رفیق یوسف زرکار. در هر حال رفیق حسن نوروزی فعالیت این دوره را جمع‌بندی می‌کند و به گروه ارائه می‌دهد. وی در این جمع‌بندی از جمله می‌نویسد: "هر نوع کار تبلیغی سیاسی در میان توده‌ها یا با توده‌ها بدون یک اقدام عملی و بدون یک حداقل نیروی متمرکزی که بتواند به دشمن ضرباتی وارد آورد هیولای دشمن را در ذهن مردم فرو ریزد آن‌ها را به آسیب‌پذیری و امکان نابودی دشمن مطمئن سازد بی‌شمار است".

این چند تا نمونه بود و نمونه‌های دیگری هم البته غیر از این‌ها بود. در هر حال همین فعالیت‌ها و حرکت‌های عملی و تجارب زنده در شرایط مشخص، تجربه مشخص از شرایط مشخص بود که می‌توانست پایه تحلیل مشخص شود و راه و شکل مناسب مبارزه در آن شرایط مشخص هم از آن استنتاج شود. رفیق حمید اشرف هم سال‌ها بعد و در جمع‌بندی از مبارزات سازمان عینا به این مساله اشاره می‌کند و می‌نویسد: "گروه رفیق احمدزاده که از سال‌های ۴۶ و ۴۷ فعالیت‌هایی را آغاز کرده بود و تا سال ۴۷ مطالعه متون مارکسیستی و اسناد انقلابی در دستور کارش

بود، از همان اول هدف خودش را "ایجاد حزب کمونیست" قرار داده بود، رفیق حمید اشرف می‌نویسد: "در واقع برنامه این رفقا آن وظایفی که جلوی روی خودشان گذاشته بودند، مطالعه متون مارکسیستی، ترجمه و انتشار آثار مارکسیستی، کار روی کارگران و روشنفکران و تربیت مارکسیستی آن‌ها، به منظور زمینه‌سازی برای تشکیل حزب سراسری طبقه کارگر".

در هر حال در آن شرایط که خیلی از روشنفکران و محفل‌های سیاسی پاسیو بودند و برخی دیگر پاسیویسم و بی‌عملی خود را تئوریزه می‌کردند و یا محافل دیگری که کارهای سیاسی جزئی انجام می‌دادند و به فوریت ضربه می‌خورند و کارشان بازدهی نداشت، رفقای ما پس از سال‌ها تلاش، مطالعه و بررسی انقلاب‌های روسیه و کرپا و چین و جنبش‌های مسلحانه در آمریکای لاتین و خاورمیانه، و با تکیه بر تجارب عملی خود و شناخت از شرایط مشخص و بالاخره با ارائه تحلیل مشخص از شرایط مشخص، پایه‌های نظری سیاهکل و مبارزه مسلحانه را تدوین کردند.

البته در آن ایام محافل بودند که جامعه را نقد می‌کردند، مقاله می‌نوشتند نشریه می‌دادند و کارهایی از این قبیل، اما اسلحه نقد و انتقاد تأثیری در وضعیت نداشت و باید جای خود را به نقد اسلحه می‌داد و چقدر زیبا و بجاست گفته شاعر پرشور و کمونیست سازمان رفیق سعید سلطان‌پور که گفت: زنده باد آن دستی که تفنگ روی کتاب نهاد! با سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه، چه باید کرد پاسخ گرفته بود. پیام سیاهکل در سرتاسر کشور پخش شد. به زودی بسیاری از محافل و گروه‌های انقلابی دیگر در این راه گام نهادند و برخی دیگر به سازمان پیوستند. فداکاری، از خود گذشتگی و پایبندی رفقای ما تا پای جان به آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی، اندک اندک، اعتبار خنده‌دار شده و از دست رفته کمونیسم و کمونیست‌ها را احیاء کرد، شور و شوق عظیمی را در جامعه و در میان نیروهای مبارز و انقلابی ایجاد کرد و بر یاس و نومیدی نقطه پایان گذاشت. ذهنیت جامعه بعد از سیاهکل در شعر بلندی که در آن سال‌ها به سرعت ورد زبان‌ها شد، اینطور بازتاب یافت: آن‌که می‌گفت حرکت مرد در این وادی خاموش و سیاه برود شرم‌کن!

آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی بعد از سیاهکل نیز با علاقه و دقت بیشتر و جدیت بیشتری توسط رفقای ما پیگیری شد. تلاش برای تقویت آگاهی سیاسی در میان کارگران، برای تشکیل‌یابی کارگران، برای به صحنه آوردن کارگران و برای تشکیل حزب طبقه کارگر. حدود ۲ سال یا ۲ سال و نیم بعد از سیاهکل شما می‌بینید که در انتشارات سازمان اعتصابات کارگری با چه دقتی دنبال می‌شود و از گسترش

این اعتصابات صحبت می‌شود و آن را گام‌های موثری در راه تشکل هر چه بیشتر طبقه کارگر ارزیابی می‌کند.

در نبرد خلق شماره ۲ فروردین ۵۳ سازمان می‌نویسد: "سازمان ما اینک در رابطه با تثبیت خود امکان آن را یافته است که تجارب نظامی و تشکیلاتی خود را هر چه بیشتر در خدمت رشد آگاهی و گسترش مبارزه طبقه کارگر ایران قرار دهد".

ارتباط نزدیک با کارگران، مطالعه و بررسی از نزدیک وضعیت طبقه کارگر، بررسی و تحلیل اعتصابات کارگری، دنبال کردن مبارزات کارگران در سرلوحه فعالیت‌های سازمان قرار می‌گیرد. در نبرد خلق شماره ۳، چند نمونه از اعتصابات کارگری از جمله اعتصاب کارخانجات کفش ملی را با دقت کم نظیری که شما حتی امروز هم نمی‌توانید آن دقت موشکافانه را در میان احزاب و سازمان‌ها ببینید، مورد بررسی قرار می‌دهد و البته از این نمونه‌ها زیاد است که همه بیان‌گر سرعت‌گیری بیشتر و دقیق‌تر سازمان به سمت طبقه کارگر و فعالیت در این سو می‌باشند.

نبرد خلق شماره ۵ دی‌ماه ۵۳ چندین خبر اعتصاب کارگری را چاپ کرده است از نورد اهواز گرفته تا گونی‌یافی محمود آباد و معدن زغال‌سنگ و چند واحد دیگر. شما می‌بینید که آن‌جا با چه دقت بسیار بالایی از روز اعتصاب، خواست‌های کارگران، اقدام کارفرما، درباره عکس‌العمل کارگران و بالاخره از نتیجه اعتصاب صحبت می‌شود که فقط کسی می‌تواند چنین اخباری را تنظیم کند که از نزدیک با موضوع رابطه داشته باشد و آشنا باشد که باز هم این‌ها بیان‌گر انگیزه‌های کارگری و آرمان‌های کارگری رفقای ماست.

جلوتر هم که می‌آئیم باز همین است تا قیام ۵۷. اردیبهشت سال ۵۵ در آستانه اول ماه مه، سازمان در اطلاعیه‌ای با عنوان "کارگران ایران متحد شوید" و پیروز باد اعتصاب حوق‌طلبانه تهران، پیرامون اعتصاب در چیت تهران (بافکار)، چیت ممتاز، سیمان ری و بی اف گودریج صحبت می‌کند و در عین حال از دانشجویان و عموم مردم خواسته شده از کارگران حمایت کنند.

و بالاخره در آبان ۵۶، از رشد طبقه کارگر، از اعتصابات و نشانه‌های تحرک جدید طبقه کارگر صحبت می‌شود و از پرولتاریایی که نخستین گام‌های خود را در جهت آگاهی طبقاتی‌اش دارد برمی‌دارد.

بعد از قیام هم باز تا آن جا که به سازمان ما، سازمان فدائیان (اقلیت) برمی‌گردد، تا به امروز به آرمان‌های کارگری و آرمان‌های سرخ و سوسیالیستی رفقای سیاهکل و رفقای بنیان‌گذار سازمان وفادار مانده و در راه تحقق این آرمان‌ها به تلاش و مبارزه ادامه داده و ادامه خواهد داد. مواضع، شعارها، برنامه، عمل و تاکتیک‌های سازمان نیز به خوبی این را نشان می‌دهد.

اجازه بدهید من به یک نکته دیگر هم در این بخش اشاره کنم که آن هم البته مهم است و به شناخت از شرایط آن سال‌ها هم خیلی کمک می‌کند، بعد وارد قسمت دوم بحث شوم. این نکته

سخنرانی رفیق اصلان جواد زاده در مراسم بزرگداشت چهل و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل در استکهلم

آرمان‌های کارگری از سیاهکل تا امروز

در واقع به کمیت طبقه کارگر، ترکیب طبقه کارگر و میزان سواد و تحصیل کارگران در آن سال‌ها مربوط می‌شود.

آمارهایی که مربوط به آن سال‌ها هست نشان می‌دهد که تعداد کارگران، مجموعه کارگران اعم از کارگران صنعتی و خدماتی به تقریب در دهه ۴۰ و دهه ۵۰ رقمی حدود ۲/۵ تا ۳/۵ میلیون نفر بوده است. بسیاری از کارگران منشاء روستایی داشتند و به قول معروف هنوز یک پای‌شان توی روستا بود. بیش از ۲۳ درصد کارگران هنوز در روستاها زندگی می‌کردند که تکه زمینی هم داشتند حالا یا خودشان کشت می‌کردند یا خانواده‌شان و یا فرد ثالثی که آن را اجاره می‌کرد. تنها ۲۰ درصد کارگران از خانواده‌های کارگری می‌آمدند یعنی پدر یا مادرشان کارگر بود. بنابراین می‌خواهم بگویم که ترکیب طبقه کارگر کم و کیف آن در این حد بود و نه فقط سطح آگاهی سیاسی کارگران بطور کلی پایین بود، بلکه حتی سطح سواد معمولی هم بسیار پایین بود. در این زمینه آماری این جا هست که آن را می‌خوانم:

۲۰/۳۸ درصد کارگران بیسواد بودند.
۱۹/۰۱ درصد کارگران در حد خواندن و نوشتن سواد داشتند.

۳۹/۶۳ درصد کارگران ۶ کلاس سواد داشتند. (یعنی در حد دبلم ابتدایی).

تا این‌جا اگر این درصدها را جمع بزنید می‌شود حدود ۸۰ درصد. یعنی ۸۰ درصد کارگران بیسواد، یا در حد خواندن و نوشتن و یا در حد دبلم ابتدایی بودند.

۱۶/۵ درصد کارگران در حد راهنمایی (یا سیکل اول) سواد داشتند.

۴/۲ درصد کارگران دبلم متوسطه داشتند. یعنی حدود ۲۰ درصد کارگران سوادشان بیشتر از دبلم ابتدایی بود.

و اضافه بر این، فقط ۲۳/۰ درصد بگیرد ۲۵/۰ درصد یعنی نصف نیم درصد بالاتر از دبلم داشتند.

در واقع از این جا هم می‌شود تا حدودی به سطح آگاهی سیاسی و چرایی پایین بودن آن پی برد.

از همین‌جا من وارد بخش دوم صحبت می‌شوم تا نگاهی داشته باشم به جنبش طبقه کارگر امروز و چند و چون پیگیری آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی. اجازه بدهید حالا که بحث آمار شد، این قسمت از بحث را هم با آمار شروع کنم و آماری را در همین زمینه بخوانم. این آمار مربوط به وضعیت سطح سواد کارگران در پتروشیمی اصفهان است که در واقع وضعیت عمومی پتروشیمی‌ها را بیان می‌کند و فقط منحصر به پتروشیمی هم نیست بلکه تا حدود زیادی وضعیت عمومی سایر بخش‌های صنعتی را هم بیان می‌کند و شما می‌توانید به کمک این ارقام، وضعیت عمومی سطح سواد کارگران امروز را با دهه چهل مقایسه کنید.

در پتروشیمی اصفهان تنها ۴۷/۱ درصد کارگران زیر دبلم هستند، این رقم در آن سال‌ها ۸۰ درصد بود.

۳۵/۹۶ درصد یا حدود ۳۶ درصد کارگران دبلمه هستند، این رقم در آن دهه مورد بحث ۴ درصد بود.

۱۳/۰۳ درصد کارگران فوق دبلم هستند و از همه مهتر این‌که ۴۹/۵۴ درصد یعنی حدود ۵۰ درصد کارگران لیسانس و بالاتر از لیسانس هستند!

مجموع این دو رقم آخر یعنی کارگران فوق دبلم و لیسانس و بالاتر از لیسانس که الان بالای ۶۳ درصد است، همان‌طور که قبلاً گفتم در آن دوره نصف نیم درصد بود یعنی ۲۳ صدم درصد.

میزان سواد البته در سطح پتروشیمی‌ها بالا است، اما همان‌طور که اشاره کردم این موضوع به هیچ‌وجه منحصر به پتروشیمی‌ها نیست. در سایر واحدهای صنعتی هم وضعیت تقریباً به همین شکل است. برای مثال در راه‌آهن، سال ۶۵

مجموعه کارگرانی که مدرک ابتدایی یا سیکل داشتند بالای ۵۰ درصد بود. اما در سال ۹۵ به کمتر از ۱۰ درصد رسید و در حال حاضر فقط یک درصد از کل پرسنل راه‌آهن مدرک ابتدایی دارند و ۴ درصد سیکل، در عوض ۳۳ درصد

کارگران دبلمه هستند، ۱۶ درصد فوق دبلم و ۴۶ درصد لیسانس و بالاتر از لیسانس هستند. الان حدود ۱۴ میلیون کارگر داریم که با در نظر گرفتن تعداد اعضای خانواده‌های کارگری، اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و می‌بینید که طبقه کارگر نه از لحاظ کمی، نه از نظر سطح سواد و البته که نه از نظر آگاهی سیاسی و میزان اعتراضات و اعتصاباتش و حضور فعالش در عرصه سیاسی که به آن اشاره خواهم کرد، با طبقه کارگر در دهه چهل و حتا دهه پنجاه قابل مقایسه نیست. اگر در آن سال‌ها

حضور یک روشنفکر یا کسی که لیسانس داشت و تحصیلات دانشگاهی داشت در محیط‌های کارگری با هزار و یک سوال و مانع و مشکل روبرو بود، امروز بسیاری از لیسانس‌ها یا بیکارند و یا اساساً راه دیگری جز کارگری ندارند. این که کسی بامدرک لیسانس و فوق لیسانس کارگری کند، موضوعی است که هم برای

کارگران جا افتاده است، هم برای طبقه سرمایه‌دار حاکم و هم برای رژیم سیاسی ای که پاسدار این نظم است و حافظ منافع این طبقه است.

در طول این چهل سال دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی و به‌رغم سرکوب‌های خشن و کشتارهای دستجمعی و زندان و اعدام انبوه بی‌شماری از کارگران پیشرو که تا یکی دو سال

بعد از قیام ۵۷ در شوراهای کارگری متشکل شده بودند، جنبش کارگری گام‌های بسیار بلندی بویژه در ۲۰ - ۱۵ سال اخیر به جلو برداشته است. جنبش کارگری هم از نظر تشکلیابی، هم

به لحاظ رشد و ارتقاء آگاهی سیاسی در صفوف کارگران، هم از نظر رشد روحیه اتحاد و همبستگی طبقاتی در میان کارگران و بالاخره از لحاظ گسترش اعتراضات و اعتراضات کارگری و تظاهرات پرشور خیابانی رشد و پیشرفت بسیار زیادی داشته است که نمونه‌های آن را شما در دهه چهل روشن است که نمی‌توانید پیدا کنید.

اگر که به اعتصابات و اعتراضات کارگری در همین سال جاری نگاه کنیم می‌بینیم که این اعتصابات هم تعدادشان زیادتیر شده و هم شمار کارگرانی که در اعتصاب شرکت کرده‌اند رو به افزایش است. سویا هفت‌تپه و فولاد که چندین بار دست به اعتصاب و تجمع و راهپیمایی زدند و اعتصاب و راهپیمایی‌های پرشور اخیرشان

تمام فضای سیاسی جامعه را تسخیر کرد، ما در هیکو، آذربای و بسیاری واحدهای دیگر هم اعتصاب داشتیم. اما نکته قابل ذکر این است که اگر به این اعتصابات دقیق‌تر نگاه کنیم، می‌بینیم که در عین آن که اعتصابات تک واحدی خیلی زیاد است، اما در عین حال اعتصاب هم‌زمان در چند واحد یا اعتصابات فراواحدی هم بیشتر شده است. مثلاً ما در برق، مخابرات، در پتروشیمی

و در معادن زغال‌سنگ اعتصاب فراواحدی و یا تجمع‌های فراواحدی زیاد داشتیم. سال‌های ۹۶ و ۹۵ و حتا ۹۴. کارگران از واحدهای مختلف و از شهرهای مختلف می‌رفتند تهران آن‌جا در مقابل ادارات یا شرکت‌های مربوطه تجمع برگزار می‌کردند. یا در معدن زغال‌سنگ که هم‌زمان چند معدن زغال‌سنگ کرمان و سمنان با هم دست به اعتصاب زدند. حالا در این یکی یا دو سال اخیر، بخصوص در یک سال اخیر می‌بینیم که این تیپ اعتصابات بیشتر شده است.

برای مثال ما چند اعتصاب سراسری کارگران صندوق بیمه کشاورزی را داشتیم که حدود ۶ هزار نفرند یا اعتصاب کارگران حمل و نقل خلیج‌فارس را هم‌زمان در چند استان داشتیم که حدود ۱۳۰۰ نفر در آن کار می‌کنند.

از این‌ها مهم‌تر ما چند اعتصاب سراسری کارگران راه‌آهن را داشتیم و دست کم سه اعتصاب یا ۴ اعتصاب سراسری رانندگان و کامیونداران را. این تیپ اعتصابات یک روندی را به ما نشان می‌دهد و آن روند این است که اعتصابات تک واحدی اندک اندک دارند به اعتصابات سراسری در یک رشته معین گذار می‌کنند. این روشن است که این اعتصابات سراسری در یک رشته معین، بیانگر این است که کارگران توانسته‌اند در آن رشته‌ها تشکلیابی را ایجاد کنند که بتواند مبارزه و اعتصاب در چند واحد را با هم هماهنگ کند و سازمان دهد. این تشکلیابی در واقع همان کمیته‌های هماهنگی یا بیشتر شوراهای هماهنگی هستند. این جهت‌گیری یعنی گذار از اعتصابات تک واحدی به اعتصابات چند واحدی در یک رشته معین، در واقع در مسیری است که باید در ادامه خودش به اعتصاب عمومی سیاسی سراسری برسد و زمینه را برای قیام مسلحانه و سرنگونی نظم موجود فراهم کند.

در جنبش کارگری، ما در عین حال شاهد این واقعیت هستیم که خصلت سیاسی مبارزات طبقه کارگر پر رنگ‌تر شده است، خواست‌های سیاسی بیشتر شده است. علاوه بر این در شعارها و

درصفاحه ۹

اطلاعیه مهم تلویزیون دموکراسی شورایی

رفقا، دوستان، همراهان گرامی!

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی komalaTV/shoraTV پخش خواهد شد. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی komalaTV/shoraTV بدین قرار می‌باشد:

ماهواره یاهست
satellite yahsat
فرکانس: ۱۱۹۵۷
frequency 11957
سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
symbol rate 27480
پولاریزاسیون عمودی
Polarization vertical

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی در روزهای هفته بدین قرار است:

روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۳ و روز شنبه از ساعت ۳۰:۲۱ تا ۳۰:۲۲

بازپخش برنامه‌های دموکراسی شورایی در روزهای سه‌شنبه، پنج‌شنبه و شنبه و در ساعات ذیل خواهد بود:

۳:۳۰ بامداد تا ۵:۳۰ بامداد
 ۳:۳۰ صبح تا ۹:۳۰ صبح
 ۳:۳۰ بعدازظهر تا ۱۷:۳۰ بعدازظهر
 روز یکشنبه نیز باز پخش برنامه‌های دموکراسی شورایی از این قرار است:
 ۳:۳۰ الی ۴:۳۰ بامداد
 ۳:۳۰ صبح تا ۹:۳۰ صبح
 ۳:۳۰ بعدازظهر تا ۱۶:۳۰ بعدازظهر

لازم به توضیح است که پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بر روی تلویزیون دیدگاه تا پایان ماه فوریه به روال سابق ادامه خواهد داشت. آخرین برنامه ما بر روی تلویزیون دیدگاه چهارشنبه ۲۷ فوریه برابر با ۸ اسفند پخش خواهد شد و بازپخش آن بر روی همین شبکه پنج‌شنبه ۲۸ فوریه برابر با ۹ اسفند خواهد بود.

تلویزیون دموکراسی شورایی
اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن ۱۳۹۷

سخنرانی رفیق اصلان جواد زاده در مراسم بزرگداشت چهل و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل در استکهلم

پلاکاردها، آشکارا جنبه‌های ضد سرمایه‌داری مبارزات کارگران را می‌بینیم. مرگ بر این دولت مردم فریب، ما کارگران آهنیم ریشه ظلم می‌کنیم، کارگران بیدارند از استثمار بیزارند و از این نمونه‌ها. علاوه بر این موضوعات، که همگی نشان‌دهنده این واقعیت انکارناپذیر است که جنبش طبقه کارگر رشد کرده و جلو آمده، ما شاهد حضور پر رنگ خانواده‌ها در اجتماعات خیابانی کارگران هستیم. اما موضوع فوق‌العاده مهم دیگری که بطور خاص باید روی آن تاکید بشود، اعتصابات و اعتراضات پرشور خیابانی در فولاد و هفت‌تپه است. اعتصابات و تظاهرات طولانی مدت، سخنرانی کارگران پیشرو در جمع‌های کارگری و بالاخره سر بر آوردن شورای مستقل کارگران هفت‌تپه از درون اعتصاب و مهمتر از آن طرح شعار نان و کار و آزادی و ارائه آلترناتیو و بدیل شورایی و کارگری توسط کارگران هفت‌تپه و اسماعیل بخشی ست. این اتفاقی که افتاد، در جنبش کارگری و در تمام دوران حیات جمهوری اسلامی سابقه نداشت. پیش از آن توده‌های مردم زحمتکش، جوانان و بیکاران و تهیدستان در خیزش توده‌ای دی ماه ۹۶ با شعارهایی چون مرگ بر خامنه‌ای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی خیلی صریح و روشن گفته بودند که چه نمی‌خواهند! اما نگفته بودند چه می‌خواهند! خامنه‌ای نباشد، دیکتاتور نباشد، رژیم جمهوری اسلامی نباشد، چه باشد؟ به این پرسش طبقه کارگر باید پاسخ می‌داد و پاسخ داد. کارگران هفت‌تپه با طرح آلترناتیو شورایی و کارگری، بساط بورژوازی اپوزیسیون و آلترناتیوهای قلابی‌شان را به هم ریخت. طبقه کارگر با طرح شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی که در عین حال فشرده خواست‌های عموم زحمتکشان هم هست، حمایت وسیع و گسترده سایر اقشار را نیز بدست آورد. همه اقشار زحمتکش و معترض و ناراضی دیگر، بر گرد پرچمی حلقه زدند که طبقه کارگر در هفت‌تپه آن را برافراشت و این ماجرا به نقطه عطف مهمی در جنبش طبقاتی کارگران تبدیل شد. هفت‌تپه به همگان ثابت کرد که اگر قرار است رژیم جمهوری اسلامی در یک انقلاب توده‌ای و کارگری سرنگون شود، رهبر آن انقلاب کس دیگری جز طبقه کارگر نیست. هفت‌تپه، مستقل از این‌که کسی خوشش بیاید و آن را بپسندد یا نپسندد و از آن خوشحال بشود یا ناراحت شود، به همگان نشان داد که آلترناتیو رژیم جمهوری اسلامی چیز دیگری جز یک آلترناتیو شورایی و کارگری نیست و همه کسان دیگری که غیر از این می‌گویند و یا دنبال مجلس مؤسسان و امثال آن هستند ول معطلند!

آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی که سابقاً انحصاراً و یا بیشتر، روشنفکران کمونیست و سازمان‌های کمونیستی و معدود کارگران آگاه و

کمونیست پرچمدار آن بودند، می‌بینیم که حالا علاوه بر سازمان‌های کمونیست، دارد توسط خود کارگران پیگیری می‌شود. کارگران وارد صحنه مبارزه سیاسی شده‌اند و دارند برای کار و نان و آزادی و استقرار حکومت شورایی مبارزه می‌کنند.

یک جمله دیگر هم بگویم و بحث را تمام کنم. در طول تمام این نیم قرن اخیر - گذشته‌های دورتر به کنار - در طول این نیم قرن تلاش‌ها و مبارزات فراوانی در راه آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی، برای ارتقاء آگاهی سیاسی کارگران و برای متشکل ساختن طبقه کارگر صورت گرفته است. جنبش طبقاتی کارگران بی‌شک پیشرفت‌های بسیار بزرگی داشته است. اما لازم است که گفته بشود و تاکید شود که این پیشرفت‌ها به هیچوجه از وظایف کمونیست‌ها و

سازمان‌های کمونیست کم نمی‌کند، بلکه آن را زیادتیر هم می‌کند. جنبش کارگری ایران به‌رغم پیشرفت‌های انکارناپذیرش اما هنوز که هنوز است، طبقه کارگر ایران از تشکلهای صنفی خود محروم است، از حزب اخص و طبقاتی خود محروم است و هنوز از آن درجه از تشکل و سازماندهی که لازمه پیروزی انقلاب کارگری ست برخوردار نیست. وظیفه همه کمونیست‌هاست که در هر شکلی که می‌توانند در جهت برطرف ساختن این کسر و کمبودها، یاری رسان طبقه کارگر باشند.

تا کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و تا تحقق آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی هنوز راه زیادی در پیش است و کارهای زیادی باید انجام داد. ممنون از حوصله و توجه شما و خسته نباشید.

سخنرانی رفیق اصلان جواد زاده در مراسم بزرگداشت چهل و هشتمین سالگرد حماسه سیاهکل در استکهلم

آرمان‌های کارگری از سیاهکل تا امروز

سالگرد حماسه سیاهکل است و بزرگداشت خاطره رفقای که ۱۹ بهمن سال ۴۹، قریب به نیم قرن پیش، با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل و خلع سلاح آن، آغاز مبارزه مسلحانه را اعلام کردند. آن رفقا در نبردی نابرابر درگیر شدند و جان‌شان را وثیقه آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی خودشان کردند. سیاهکل اگرچه به لحاظ نظامی شکست خورد، اما همه می‌دانیم که از نظر سیاسی پیروزی بزرگی را نصیب کمونیست‌ها و انقلابیون کرد. سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه، تمام فضای سیاسی جامعه را تحت‌تأثیر قرار داد و جنبش کمونیستی را وارد مرحله جدیدی کرد.

یاد آن رفقای جسور و بی‌پاک جانفشان گرامی باد. یاد آن جان‌های شیفته با سرهای پُرشور، سرهای پُرشور انقلابی که البته از آگاهی و عشق به سوسیالیسم مایه می‌گرفت.

بپردازم به بحث امشب. بحث امشب من دو بخش

است. در بخش اول به اختصار به شرایط جامعه پیش از سیاهکل اشاره ای خواهم داشت و این‌که رفقای ما در آن سال‌ها با چه معضلات، محدودیت‌ها و مشکلاتی روبرو بودند و در عین حال تأکید بر این‌که این رفقا همواره، چه در سیاهکل، چه قبل و چه بعد از آن، با آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی زندگی کردند، برای این آرمان‌ها تلاش و مبارزه کردند و در همین راه جان باختند.

در بخش دوم مروری کوتاه خواهم داشت البته خیلی گذرا به جنبش کارگری در یک سال اخیر و این‌که پیگیری آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی و مبارزه برای آن، امروز از محدوده کمونیست‌ها و احزاب و سازمان‌های کمونیست فراتر رفته و تقریباً به امر خود کارگران تبدیل شده است. امیدوارم بتوانم در این وقت محدود، این دو بحث را جمع و جور کنم.

در صفحه ۶

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 810 February 2019



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دمکراسی شورایی می‌رسانیم که:

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره پیامت پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره :

ماهواره یاه سات Satellite Yahsat

فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency

عمودی Polarization Vertical

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate

اف ای سی ۵/۶ FEC

ساعت پخش برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی :

چهارشنبه ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران

(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)

بازپخش این برنامه : روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران

(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت :

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای ، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را مشاهده کنید .

۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده ، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای " جی . ال . ویز "

www.didgah.tv

www.glwiz.com

۲- به صورت آرشیو ، در سایت سازمان فداییان - اقلیت :

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>

<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

توجه : بینندگان عزیز تلویزیون دمکراسی شورایی جهت اطلاع ؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران ، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته ، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی